

هو
۱۲۱

درباره‌ی

آداب حضور در مجالس قمری

(قسمت اول)

حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه)

صد و هفتاد و یکم

زمستان ۱۳۹۲

فهرست

جزوه صد و هفتاد و یکم

درباره‌ی آداب حضور در مجالس فقهی (قسمت اول)

عنوان

صفحه

مابه‌الاجتماع (دلیل جمع شدن) ما در مجلس فقهی عبارت است از کوشش برای تکامل روح انسانی که این مابه‌الاجتماع، مافوق همه‌ی مسائل دیگر است / طرح مباحث اجتماعی و مباحثی که احیاناً تفرقه‌انگیز است و ربطی هم به طریقت ندارد، در مجلس درویشی جایز نیست / درویشی حزب نیست و دخالتی در حزب ندارد / هیچکس حال خودش را نباید به دیگری تحمیل کند / هیچکس حق ندارد از درویشی به عنوان نظر شخصی خود حرف بزند. ۱۰.....

کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه دارد و حتی در مجالس، هیچکدام مقدم بر برادر بزرگ‌تر نشینند / آنهایی که در سلسله‌ی فقهی مجاز هستند به احترام آن اجازه‌ای که دارند باید احترام آنها نگه داشته شود ولی از سایر جهات، همه برادریم / صفات یا علائمی که برای مؤمن فرموده‌اند:

دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را راهنمایی کند / در بعضی اخبار آمده است که: نظر کردن به عالم عبادت است، البتّه عالم نه اینکه فقط علم ظاهری داشته باشد و معلوماتی را حفظ کرده باشد بلکه علم واقعی و علم لدنی داشته باشد / فرموده‌اند: نیت مؤمن از عملش بهتر است / در مورد مسأله‌ی برابری مسلمانان در صدر اسلام و حالت ادب در

مقابل پیغمبر / درباره‌ی رعایت تقدّم آقایان مشایخ. ۱۳

بدن را باید همیشه پاک نگه داشت و باطن را هم با اخلاص باید پاک نگه داشت / از خصوصیات مؤمن ممتحن، مؤمن قوی این است که بتواند بر حالات خودش مسلط باشد / حالات جذبه و هر حرکتی که در درون است، اگر ظاهر بشود تمام می‌شود. این حالات را باید نگه داشت که قوه‌ی محرکه‌ی درون باشد / حالات هیچکس برای دیگری قابل تحمّل نیست و چه بسا قابل درک هم نباشد / در مورد اینکه برای بعضی‌ها حال جذبه مهم است و می‌گویند چرا ما

چنین حالاتی نداریم / درباره‌ی حسد و حسود. ۲۰

می‌فرمایند که جز در مواقع خاص در نکوبد، مثلاً صبح‌هایی که جلسه داریم، باید ساعت معینی بیایند و بی‌موقع در

نزنند / برای نشستن در مجلس اگر در روبرو جا بود بنشینند
اگر نه حتی المقدور جایی بنشینند که بزرگ مجلس را
بینند / وقتی که بزرگی در مجلس بود، به دیگران توجّه
خاص نکند ولی بی ادبی هم به دیگری نباید بکند /
درباره‌ی نحوه‌ی نشستن و پشت نکردن به دیگری /
خداوند فرموده است دل مؤمن خانه‌ی من است، بنابراین
احترام مؤمن خیلی لازم و واجب است / اینکه بعضی با فشار
در جای مخصوصی می‌نشینند، غلط است و آن حالت
معنوی که باید در مجلس پیدا کند و به مطالب گفته شده
توجّه کند، در او از بین می‌رود / در مورد اینکه در قرآن

فرموده‌اند: صدایتان را بلندتر از صدای پیغمبر نکنید. ۲۴

با دقت کامل و حواس جمع به آنچه گفته می‌شود به عنوان
نصیحت و دستورالعمل الهی توجّه کند / مجالس ذکر باید
پربارترین مجلس باشد البته باری که انسان را سبک
می‌کند و به او روح می‌دهد / مجالس فقری؛ تربیت فقری و
آداب زندگی اجتماعی را کاملاً یاد می‌دهد و فقرا غالباً از هر
جهت در جامعه نمونه تلقی می‌شوند / در مجلس فقری
تمام موجباتی که حواس را پرت می‌کند یا توجّه را از بین
می‌برد، ترک کنند / در مورد اینکه در مجلس با تسبیح بازی

نکنند / در مجالسی که برای ذکر می‌آیید، نجوا نکنید /
فرموده‌اند: سؤال را برای جَدَل نکنند، سؤال کند که چیزی
بفهمد / درباره‌ی فرق جَدَل و تحقیق / ذکر معایب و نقایص
یک مؤمن را پیش مؤمنین نگوید / اگر در مورد وصلت سؤال
شود که این خانواده چگونه هستند؟ آنوقت به اختصار،

همانقدری که جواب سؤال باشد، پاسخ دهند. ۲۹.....

در مجالس فقری یا مجالس روضه نباید سیگار کشید / در
مجالس ذکر خدا با حال مستی یعنی بی‌خبری، حالی که
عقلتان زایل شده نیابید / مجلس فقری، مجلس بیداری

است نه مجلس خواب، اگر خوابتان می‌آید، بروید بخوابید. ۳۵...

در مجالس فقری اصولاً نباید صحبت دنیایی شود، خصوصاً
صحبت‌های اجتماعی و سیاسی / قبل و بعد از مجلس
فقری نباید جلسه‌ی دوستانه‌ای باشد که به نحوی متصل
به مجلس تلقی گردد / فقرا بعد از خواندن فاتحه متفرق
شوند / فقط کسی که مجاز به صحبت کردن است اجازه‌ی
صحبت دارد / فاتحه‌ی مجلس را هم باید کسی بخواند که
اجازه دارد / در مورد اهمیت رضایت مالک یا مالکین برای

مکان مجلس فقری. ۳۶.....

باید در جایی که مجلس برگزار می‌شود تمام وراثت راضی

- ۳۸ باشند؛ از روی اعتقاد یا به هرجهت دیگری .
- رفتن به مجلس کار بسیار خوبی است ولی در مورد کسی که خانواده و فرزند کوچک دارد، وظیفه‌ی حفظ فرزند هم واجب است. ۳۹.....
- در مورد برقرار شدن مجلس فقری در یکی از شهرهایی که مجلس تشکیل نمی‌شد؛ وقتی جمعیت فقرا زیاد شد یک زحمت‌هایی اضافه می‌شود که باید آن زحمت‌ها را تحمل کرد/ دیدار مؤمنین (حتی صرف دیدن ظاهری مؤمنین) نیز مفید است و اثر دارد. ۴۰.....
- شرکت در مجالس فقری از اهمّ وظایف فقرا و موجب تألیف قلوب و تضعیف عنادِ معاندین است. ۴۴.....
- وقتی به مجلس فقری آمده‌اید، تلف کردن وقت را فراموش کنید/ به آنچه گفته می‌شود گوش بدهید که بعد مجدد همان سؤال را نپرسید. ۴۵.....
- ۴۷ **فهرست جزوات قبل**

با توجه به آنکه حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) پاسخ نامه‌ها و سؤالات را، عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطف نمایید مطالب جزوات بیانات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید. فقط کسانی جزوات را بگیرند که مطالعه می‌کنند، نه اینکه بگیرند و گوشه‌ای بگذارند.

خواهشمند است به منظور دسترسی هر چه بیشتر علاقه‌مندان به خصوص فقرا و سایر مؤمنین به این جزوه و سایر جزوات بیانات، در صورتی که بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید. با توجه به آنکه تهیه‌ی جزوات بیانات، مستقل از هر مؤسسه‌ی خیریه و انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه‌ی اشتراک، با شماره‌ی تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

بدینوسیله از همه‌ی کسانی که در تکثیر این جزوه و سایر جزوات بیانات، توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود. مطالعه‌ی جزوات از طریق سایت اینترنتی ذیل نیز امکان‌پذیر می‌باشد. در این سایت، جزوات به تفکیک و شامل: مجموعه‌ی جزوات گفتارهای عرفانی، مکاتیب عرفانی، شرح رساله شریفه پندصالح، گفت‌وگوهای عرفانی، جزوات موضوعی (استخاره، اختلافات خانوادگی، حقوق مالی و عشریه) و... می‌باشد. همچنین در این سایت امکان جستجوی موضوعی در خصوص مطالب مورد نظر، نیز وجود دارد.

WWW.JOZVEH121.COM

هر کسی نامه می نویسد یا مطلبی می گوید، توقع دارد که جواب آن را بدهم و لاقلاً همان پنج خط که او نوشته، من دو خط بنویسم. همان را هم نمی رسم. الان مدتی است دیگر تقریباً نمی توانم بنویسم. خواهش کردم به فهرستی از مطالب گفته شده که هر مرتبه پیاده می شود و منتشر می گردد نگاه کنند، حتماً راجع به مطلب سؤال شده، صحبت کرده ام. دیگران هم که سؤالات مشابه دارند استفاده کنند. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ ه. ش.

یکی پرسیده که دوبار نامه نوشته ام جواب ندادید. آخر می گویند التماس دعا، من جواب این را چه بگویم؟ جوابی ندارید. همان فرمایش حضرت صالح علیشاه که یکبار گفتم. فرمودند: همان لحظه ای که آنها سلام می رسانند، التماس دعا می گویند، همان لحظه، دعا و خواسته شان به ما رسیده است.

فرض کنیم از هر کسی یک سؤال می رسد. اگر در جواب اینها، یک خط هم بنویسیم، خود این یک کتاب بزرگی می شود. این است که توقع اینکه برای هر سؤال، خود آن شخص را بخواهیم و با هم صحبت کنیم، نمی شود این کار را کرد، نمی رسم.

بنابراین درباره ی سؤال که در ذهنتان پیدا می شود، حتماً جواب داده ام. این جزوه هایی هم که درمی آید، پرسید که چه موقعی جواب داده ام، همان را بگیرید بخوانید و بعد اگر پیدا نکردید آنوقت بیایید و پرسید. مثلاً می نویسند شش بار نامه نوشتیم، جواب ندادید. بله، اگر ده بار هم مطلبی که مربوط به من نیست را بنویسید، چه جوابی بدهم؟

برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

مابه‌الاجتماع (دلیل جمع شدن) ما مثلاً در این مجلس؛ یعنی آنچه که ما را جمع کرده، نه یک موضوع اقتصادی، نه یک موضوع اجتماعی و نه یک موضوع سیاسی است. الان که ما کنار هم نشسته‌ایم، دو نفر ممکن است از لحاظ اقتصادی، نظریات اقتصادی خلاف هم داشته باشند، از نظر اجتماعی همینطور، یکی ممکن است مطالعات علمی داشته باشد، یکی دیگر، نه. اما همه کنار هم نشسته‌ایم. مابه‌الاجتماع برای ما عبارت است از کوشش برای تکامل روح انسانی. خود این مابه‌الاجتماع، مافوق همه‌ی مسائل دیگر است.

همانطوری که گفتیم مابه‌الاجتماع ما درویش‌ها در این مجالس، جنبه‌ی درویشی و طریقتی است. بنابراین یا در حال سکوت و توجه به دل خودمان هستیم و یا به کتاب نثر یا شعری که خوانده می‌شود و مربوط به طریقت است گوش می‌دهیم. گفت‌وگو کردن که مجاز نیست. در مجالس معمولی هم، هنگامی که کسی سخن می‌گوید و دیگران سکوت کرده و به سخنان آن شخص گوش می‌دهند، شکستن سکوت شنوندگان جایز نیست؛

۱. برگرفته از شرح مقدمه رساله شریفه پندصالح، شب‌های جمعه، تاریخ‌های ۱۳۷۶/۱/۲۸ و ۱۳۷۶/۲/۴ ه. ش.

دیگر چه برسد به مجلس درویشی. هرگونه بحث و گفت‌وگو و اصولاً طرح مباحث اجتماعی و مباحثی که احیاناً تفرقه‌انگیز است و ربطی هم به طریقت ندارد، در مجلس درویشی جایز نیست. تفاوت مجلس درویشی با مجالس دیگر اصلاً قیاس مع‌الفارق است. حزب و دسته‌بندی و دخالت در کارهای دنیوی، در درویشی و بندگی نیست. درویشی حزب نیست؛ درویش ممکن است در احزابی شرکت کند. ولی درویشی دخالتی در حزب ندارد. ممکن است دو درویش که کنار هم می‌نشینند، دو عقیده‌ی مختلف حزبی سیاسی داشته باشند ولی اینجا که می‌نشینند با هم برادرند. چون فرض بر این است، که ان‌شاءالله همه‌مان طبق تعهداتی که کرده‌ایم رفتار می‌کنیم؛ بنابراین هر کدام می‌دانند که این برادرش اگر هم در سایر مسائل اجتماعی یا اقتصادی عقیده‌ای مخالف او دارد، فکرش به آنجا رسیده است. بنابراین تقسیم‌بندی که امور را به امور مربوط به شریعت و مربوط به طریقت و اموری که بستگی به تعقل دارد تقسیم کردم، دو برادر فقری اگر هم می‌دانند که با هم اختلاف سلیقه دارند، می‌گویند یا این اختلاف روی جنبه‌ی شریعتی است یا روی جنبه‌ی تعقل، که عقل هر کدام، به یک جایی رسیده است. ولی هر دو برای خاطر خدا، برای جلب رضایت خداوند و برای خدمت به خلق، آن فکر و آن عمل را اتخاذ کرده‌اند.

گواينکه دو عمل مختلف و حتّی مخالف باشد؛ مع‌ذلک اگر با نيّت جلب رضایت خداوند و خدمت به مردم باشد در این صورت هر دو مُثاب هستند.

امّا درویشی ربطی به حزب سیاسی ندارد. این است که هیچکس نباید از پیش خود بگوید درویشی چنین و چنان است، یا اینکه درویش باید این کار را بکند یا نکند، یا اینکه درویش نباید چنین و چنان باشد. این قبیل اظهارات از دو جهت اشکال دارد: یکی اینکه هیچکسی حال خودش را نباید به دیگری تحمیل کند، دیگر اینکه هیچکس حق ندارد از درویشی به عنوان نظر شخصی خود حرف بزند؛ او شخصاً خودش طبق دستوراتی که دارد و هر طور که به فکر و عقلش رسید، باید کارش را انجام بدهد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

همانطوری که در یک منزل و یک خانواده، ضمن صمیمیت، همه به هم احترام می‌گذارند، رعایت این احترام برای همه ی فقرا لازم است. مرحوم آقای سلطان‌علیشاه، مرحوم آقای نورعلیشاه، مرحوم آقای صالح‌علیشاه، مرحوم آقای رضاعلیشاه، مرحوم آقای محبوب‌علیشاه، همه ی اینها وصیت کرده‌اند و در وصیتشان، فرزندان و اقوام خودشان را نصیحت کرده‌اند که کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه دارد و حتی در مجالس، هیچکدام مقدّم بر برادر بزرگ‌تر ننشینند. من فقط یک استثنا دیده‌ام و آن در مورد مرحوم حاج آقای سلطانی و مرحوم حاج آقای سعادت‌ی است. مرحوم حاج آقای سعادت‌ی برادرزاده ی مرحوم حاج آقای سلطانی بودند ولی از عمومی خودشان بزرگ‌تر بودند. قهراً طبق آن دستور، در مجالس جلوتر می‌رفتند. امّا خودشان نوشته‌اند که در یک جا مرحوم آقای نورعلیشاه متوجّه شدند و به من گفتند: کسی از عمویش سبقت نمی‌گیرد. از آن تاریخ، حاج آقای سلطانی در مجالس و دیگر جاها مقدّم بر حاج آقای سعادت‌ی قرار می‌گرفتند. منظور این است که برادری به جای خود، و آن احترام قدیمی‌تر

۱. برگرفته از شرح رساله شریفه *پندصالح*، جلسات فقری شب‌های جمعه، تلیفیک دوره ی اوّل تاریخ ۱۳۷۶/۷/۳ و ۱۳۷۶/۷/۱۰ و ۱۳۷۶/۷/۱۷ ه. ش. و دوره ی دوّم تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۳ و ۱۳۸۷/۱/۸ و ۱۳۸۷/۱/۱۵ ه. ش.

بودن و سبقت نیز به جای خود. البته آنهایی که در سلسله‌ی فقری مجاز هستند، به هر درجه‌ای که مجاز هستند، از سایرین یک قدم جلوترند و احترام آنها هم (به احترام آن اجازه‌ای که دارند) باید نگه داشته شود؛ ولی از سایر جهات همه برادریم.

صفات یا علایمی که برای مؤمن فرموده‌اند این است که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را راهنمایی کند.

**نفس از معاشر نقش پذیرد و رنگ گیرد و خدمت هر یک رسید
نباید تفاوت مراتب در نظر گیرد بلکه وجهه‌ی امر خدایی را منظور و
واسطه‌ی فیض داند ولی در اجتماع آنها حفظ مراتب و تفاوت درجات
ملحوظ شود.^۱**

می‌فرمایند: مصاحبت با آنها؛ یعنی مصاحبت با اشخاصی که همان صفات ایمانی را دارند، انسان را به یاد خدا اندازد، گفتارش بر دانش شما افزاید و کردارش آن آرزومند سرای جاودانی سازد. بعد از گفتار و دیدارش، کردارش هم به انسان یاد می‌دهد که بعد از این جهان، جهانی دیگر است و این شخص با آن جهان در ارتباط است.

در بعضی اخبار آمده است که: نظر کردن به عالم عبادت

۱. پند صالح، حاج شیخ محمدحسن صالح علیشاه، ج ۷، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳.

است؛ البتّه عالم نه اینکه فقط علم ظاهری داشته باشد و معلوماتی را حفظ کرده باشد؛ بلکه علم واقعی و علم لدنی داشته باشد. دیدار این عالم برای انسان مفید و رفتن برای دیدن این عالم خودش رحمت است. وقتی در نظر دارید که کار نیکی انجام بدهید، وقتی اقدام به آن کار خیر (چه در عمل و چه در زبان) می‌کنید، همان شروع برای شما اجری دارد. این است که فرموده‌اند: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ، نیت مؤمن از عملش بهتر است. کسی که نیت خیر می‌کند، خود آن نیت خیر، یک ثواب دارد و اگر به سمت انجام آن کار برود، اجر دومی هم دارد.

مثلاً کسی خودش مستحقّ انفاق است ولی دلش می‌خواهد امکاناتی داشته باشد تا به نیازمندان کمک کند، خود این نیت برای او ثواب دارد و اگر خداوند خودش این امکان را از او گرفته باشد، چون می‌داند که اگر او امکان داشت عمل می‌کرد، آن ثواب را هم برایش قائل است. از لحاظ روانی هم می‌دانیم که هر اقدام انسان اولاً یک انگیزه می‌خواهد، یعنی چیزی که او را تکان دهد و ثانیاً یک هدف می‌خواهد که بداند حرکتی که می‌کند برای چیست و به کجا می‌رسد؟ و در این شخص که قصد کار خیر دارد، هر دو چیز هست. خود نیت یک فعالیت فکری است که بتواند این کار را انجام بدهد، به نوعی حرکت هم هست. می‌فرمایند با این نیت به

دیدار بزرگان و دیدار علما برود.

در ادامه فرموده‌اند: مؤمنین در معاشرت‌های شخصی، همه مثل هم هستند. در زمان خود پیغمبر ﷺ، ایشان از لحاظ صورت ظاهر و رفتار ظاهری هیچ فرقی با سایر مؤمنین، وقتی در جمع آنها بودند، نداشتند. اما هنگامی که نماز می‌خواندند، هیچکس بر پیغمبر سبقت نمی‌گرفت. بنابراین به اعتبار اینکه پیغمبر فرمودند: **أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ**^۱، ایشان مثل دیگران رفتار می‌کردند، ما هم باید همین‌طور رفتار کنیم. البته وقتی با بزرگان، اولیاء و مشایخ برخورد می‌کنیم، یک درجه و موهبتی به آنها اعطا شده که در همه یکی است. البته در معاشرت و در زندگی اجتماعی باید قواعد و نظم‌هایی حاکم باشد. این قواعد و نظم‌ها هیچگاه مزاحم معنویت نمی‌شود یعنی همین بزرگانی که می‌بینید، وقتی در اجتماع هستند به صورت اجتماعی رعایت این را می‌کنند که چه کسی مقدم است و چه کسی مؤخر است، اما در مقام معنویت همه یکی هستند. به اندازه‌ای این مسأله (که همه‌ی مؤمنین مثل هم هستند) در ذهن مسلمین اولیه بدیهی بود که حتی شیخین

هم بعد از پیغمبر همان روش را داشتند یعنی در صورت ظاهر داخل مردم بودند، بطوری که وقتی سفیری از کشورهای خارجی آمده بود تا خلیفه را ببیند (خلیفه یعنی رئیس حکومت اسلامی آنوقت) پرسید: خلیفه کجاست؟ یکی گفت: در مسجد. او به مسجد آمد و دید گروهی نشسته‌اند، نگاه کرد هیچکدامشان نه تاجی بر سر و نه لباس خاصی داشتند. پرسید: کدامتان خلیفه هستید؟ زمان عُمَر بود، عُمَر گفت: من خلیفه‌ام، کاری داری؟ او با تعجب از وضعیت ساده‌ی عُمَر، پیغامش را رساند.

این سادگی و یکی بودن به اندازه‌ای بود که حتی اعراب بدوی، که نه خودشان پیغمبران گذشته را دیده بودند و نه اجدادشان (و شاید به همین دلیل غلو می‌کردند) صدایشان را بلند می‌کردند و با پیغمبر بلند بلند حرف می‌زدند و رعایت اینکه پیغمبر جلوتر راه بروند را نمی‌کردند. این موضوع احتمالاً روی سوءنیت نبوده است بلکه آنها آداب را نمی‌دانستند که در این موضوع چنانکه قبلاً گفتیم خداوند هم آیاتی فرستاد و به مؤمنین نحوه‌ی سخن گفتن با پیغمبر را یاد داد.

به هر حال به اندازه‌ای این مسأله‌ی برابری مسلمانان

در ذهن مردم عادی بود که دچار این اشتباه هم شده بودند. البته فهم این مسأله که چرا دوگونه باید رفتار کرد، مشکل نیست. برای تشخیص این مسأله، باید به دل خودشان نگاه کنند. مثلاً مسلمان‌های آنوقت هر وقت به عنوان یک بشر با پیغمبر صحبت می‌کردند (مثلاً حساب مالی یا روابط ظاهری داشتند) در آن صورت با پیغمبر مثل یک انسان معمولی رفتار می‌کردند؛ البته با ادب و وقتی که می‌خواستند سؤالی از پیغمبر بکنند، می‌دانستند که از کسی سؤال می‌کنند که با عالم بالا در ارتباط است، احساس این را داشتند که با کسی صحبت می‌کنند که این شخص با عالم غیب در ارتباط است؛ یعنی هر وقت خداوند مصلحت بداند، به او القا می‌کند. بنابراین خودبه‌خود حالت ادب پیدا می‌کردند. دلیل این حالت، ایمان محکمی است که مسلمان و مؤمن باید داشته باشد.

با توجه به این مقدمات می‌فرمایند که همه‌ی مجازین احترام خاصی دارند. تک‌تک آنها وقتی ملاقات می‌شوند، چون واسطه‌ی فیض هستند (چه فیض دستگیری، یا فیض ارشاد) و به هر صورت فیضی می‌رسانند، باید احترام آنها را نگه داشت. ولی وقتی همه با هم هستند، خودشان تقدّم را رعایت می‌کنند؛

کمالینکه در اجازات همه جا مرقوم فرموده‌اند که مشایخ قبلی را مقدم بدانند. لذا می‌بینید در جلساتی که آقایان مشایخ تشریف دارند خودشان می‌دانند چه کسی مقدم است. همین تقدم را ما هم باید رعایت کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

و تا می‌تواند صورت را از هر پلیدی حَدَث و خُبث، پاک و باطن را به زیور محبّت و اخلاص بیاراید، حقیقت آنها را شفیع قرار داده، در حضور آنها بر مراقبه و توجّه و حضور دل بیفزاید.^۲

منظور از صورت، بدن است. بدن را باید همیشه پاک نگه داشت. منظور از پاکی در اینجا پاکی عرفی است؛ یعنی انسان باید تمیز باشد. حتّی در مورد غسل جمعه گفته‌اند: چون جمعه روز اجتماع مسلمین است، بدن باید تمیز باشد که موجب اذیت و آزار دیگران نباشد. امّا باطن را هم با اخلاص باید پاک نگه داشت؛ به این نحو که وقتی به مجلس می‌رود یا حتّی به دیدار یکی از فقرای قدیمی و متقدّمین می‌رود، یا به دیدار مشایخ و مأذونین می‌رود، باید خلوص نیّت داشته باشد. یعنی به قصد اینکه فیض معنوی ببرد، برود؛ و الا در غیر این صورت، مواظب باشد مصداق آن شعر نباشد که: «بر خویش زد، آنکه خویش را بر ما زد». با خلوص نیّت بخواهد فیض و بهره‌ی معنوی ببرد. از حضور آنها و از باطن و دل آنها استفاده کند تا حضور قلب برای خودش هم بیشتر فراهم شود.

و در رسیدن حضور آنها از تظاهرات محبّت تا حال اختیار دارد خود

۱. برگرفته از شرح رساله شریفه *پندصالح*، جلسات فقری شب‌های جمعه، تالیف دوره‌ی اوّل تاریخ ۱۳۷۶/۷/۳ و ۱۳۷۶/۷/۱۰ و ۱۳۷۶/۷/۱۷ ه. ش. و دوره‌ی دوّم تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۳ و ۱۳۸۷/۱/۸ و ۱۳۸۷/۱/۱۵ ه. ش.

رانگه دارد خصوصاً که مورد ایراد اغیار باشد و بهانه ایراد و حسد فراهم نسازد.^۱

از خصوصیات مؤمن ممتحن، مؤمن قوی این است که بتواند بر حالات خودش مسلط باشد؛ البته اگر مسلط نبود و خارج از اراده‌ی خودش، تظاهرات و جلوه‌های محبت‌آمیزی کرد، بر او حَرَجی نیست، ولی به هر جهت احتمال آنکه ضرری به دیگران برسد، همیشه هست.

حالات جذبه و انگیزه و هر حرکتی که در درون است، اگر ظاهر بشود تمام می‌شود. این حالات را باید نگه داشت که قوه‌ی محرّک‌ی درون باشد؛ یعنی همان محرّکی که به صورت حرکاتی در رفتار ظاهر می‌شود، همان محرّک باید قلب و دل شما را به حرکت وا دارد. البته گاهی از اختیار خارج است، ولی باید سعی کند که آن را به اختیار درآورد. این کوشش را باید حتماً بکنیم، به دو دلیل: یکی آنکه آن قوه‌ی محرّک‌ی درونی به صورت یک حرکت بدنی هدر نرود، بلکه به یک حرکت درونی تبدیل شود؛ مثل ماشین‌های بخار یا همین دیگ زودپز، یا هر ماشینی که سوپاپ دارد، اگر سوپاپ آن را باز کنند آن نیرو بیرون می‌رود. همینطور اگر این سوپاپ باز بشود آن نیرویی که در درون شما به حالت جذبه

می‌جوشد، بیرون می‌رود و تهی می‌شود. ولی با خودداری و کنترل، قوه‌ی اراده‌تان بیشتر می‌شود و این اراده، اراده‌ی الهی است؛ چون به قصد اطاعت امر انجام می‌دهید. این کار موجب می‌شود که اراده‌تان قوی گردد و همان حرکت، همان محرک، شما را به جلو برد.

دلیل دوم اینکه هرکس حالی دارد؛ حالات هیچکس برای دیگری قابل تحمّل نیست و چه بسا قابل درک هم نباشد و کسی که این را درک نمی‌کند (حتّی ممکن است درویش هم باشد) ایراد می‌گیرد که این حرکات چیست؟ بعضاً هم موجب حسد می‌شود. به این معنی که خیال می‌کنند اینها خیلی مهم است. این هیجان و ظهور و حال جذبه برای بعضی‌ها مهم است چنانکه می‌پرسند که: پس چرا ما چنین حالاتی نداریم؟! آیا ما در این راه عقب مانده‌ایم؟! برای رفع این سؤال، مؤمن باید در همه‌ی احوال بر خودش مسلط باشد؛ تا هم رعایت آداب ظاهر بشود و هم حسد دیگران را برنیانگیزد. حسد چیزی است که به قول سعدی:

توانم آنکه نیازم اندرون کسی

حسود را چه کنم؟ کو زخود به رنج اندر است^۱

حسود با اینکه شما هیچگونه ضرری به او نرساند و

خسارتی بر او وارد نکرده‌اید، با شما بد است، به قول مشهور می‌گویند بدون دلیل خنجر از پشت می‌زند، البته این موضوع با آن حدیثی که مولوی هم در مثنوی تفسیر کرده، مناسبتی دارد: *إِتَّقِ مِنَ شَرِّ مَنْ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ*^۱، زنه‌ار از شر آن کسی که به او نیکی کردی، مواظب خودت باش. خداوند خودش ما را نگه دارد. من گاهی اوقات می‌گویم: *إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ*، یعنی خدایا صراط مستقیم را نشان می‌دهی، من اهلش نیستم، خودت مرا بگیر ببر. ان شاء الله این خواسته‌ی ما را قبول کند.

به دلایل مذکور باید سعی کرد از این تظاهرات پرهیز شود.

۱. مثنوی معنوی، تصحیح توفیق سبحانی، روزنه، ۱۳۸۶، دفتر سوم، بیت ۲۶۳.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.^۱

و رعایت آداب صورت هم تا به اختیار است داشته باشد مثلاً تا بشود در نکوبد و صدا بلند ننماید و تقدّم نجوید و در نشستن تا بتواند روبرو نشیند و اگر نشود طوری نشیند که ببیند و نشستن را طول ندهد که ملال آورد مگر کاری باشد که لازم شود و جز به حدّ معمول و مرسوم در اوّل نشستن به دیگران توجه ننماید نه بطوری که مورد ایراد یا افسردگی دیگران گردد و پشت به کسی ننشیند خصوصاً به مؤمن مگر در مجامع تعلّم و ضرورت.^۲

مطالبی را که در این بخش مطرح فرموده‌اند دستوراتی کاملاً بدیهی و طبیعی است که در آداب معمولی روابط انسان‌ها هم رعایت می‌شود و بعضی از آنها همان دستوراتی است که در قرآن هم آمده است.

می‌فرمایند که جز در مواقع خاص در نکوبد؛ مثلاً صبح‌هایی که جلسه‌ای داریم، باید ساعت معینی بیایند و بی‌موقع در نزنند، برای اینکه اسباب زحمت دیگران می‌باشد. شما که بی‌موقع در می‌زنید، خودتان را به جای شخصی که آنجا زندگی می‌کند بگذارید. او هم یک بشر است و خواب و استراحت و زندگی خود را

۱. برگرفته از شرح رساله شریفه *پندصالح*، جلسات فقری شب‌های جمعه، تالیف دوره‌ی اوّل تاریخ ۱۳۷۶/۷/۳ و ۱۳۷۶/۷/۱۰ و ۱۳۷۶/۷/۱۷ ه. ش. و دوره‌ی دوّم تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۳ و ۱۳۸۷/۱/۸ و ۱۳۸۷/۱/۱۵ ه. ش.

۲. *پندصالح*، ص ۳۳.

دارد. جزئیات این امر را فرموده‌اند.

وقتی هم که می‌نشینند اگر در روبرو جا بود بنشینند اگر نه، حتّی‌المقدور جایی بنشینند که بزرگ مجلس را ببینند. چون دیده‌اید که در همه‌ی سخنرانی‌ها حتّی در منابر، همه به گوینده نگاه می‌کنند. برای اینکه خود نگاه هم اثر می‌کند؛ و الاّ می‌شود از رادیو به مطالب گوش داد. مع‌ذلک نباید مزاحم دیگران باشد. اگر هم مدّت طولانی نشسته است بلند شود و جایش را به دیگری بدهد. این ایثار، خودش ثواب زیادی دارد.

همچنین گفته‌اند وقتی که بزرگی در مجلس بود، به دیگران توجّه خاص نکند ولی بی‌ادبی به دیگری هم نباید بکند؛ مثلاً طوری بنشینند که برای اینکه روبه‌روی من باشد، پشتش به دیگری باشد. این بی‌ادبی و توهین به دیگری است. البتّه آن شخص چیزی نمی‌گوید؛ چون او هم این حالت وی را احساس می‌کند، اما اصولاً این کار درستی نیست، مگر مواردی مثل مجلس فقری که همه باید پشت به هم بنشینند، و الاّ در مواقع معمولی طوری بنشینند که نفر پهلوئی‌اش نگران و ناراحت نباشد. پشتش هم به او نباشد، برای اینکه همان لطیفه‌ی ایمانی در او هم هست. همین‌طور است که ما می‌گوییم وقتی که می‌خواهید پایتان رو به کسی نباشد. رعایت این امر از لحاظ آداب در دیگران خیلی

مؤثر است.

اصولاً در مجلس درویش‌ها، مجلس فقرا، باید طبق یک صف رو به یک طرف نشست و نه پشت به دیگری. ولی در برخی مجالس، به قول مشهور مسجدی نشستن اشکال ندارد، و الاً بطور معمول نشستن به نحو پشت کردن به دیگری صحیح نیست و باید این امر را رعایت کرد. کما اینکه در آداب حج هم همین رعایت شده است؛ یعنی در حج می‌گویند شانه باید به طرف بیت‌الله باشد و نه کج باشد و نه رو به او، اگر رو به کعبه باشد، پشتش به سایر مقامات می‌شود و اگر رو به مقامات باشد، پشتش به خانه می‌شود. باید به همین طریق برود. همین حالت را باید در مجالس فقری رعایت کرد، با این توجّه که دل مؤمن جایگاه خداست. در داستان‌ها هم شنیدید که عارفی به کسی گفت که: مرا طواف کن! او نگاه به آسمان کرد دید که دور آن بزرگوار دارند طواف می‌کنند. نه اینکه طواف جسم بشری او می‌کنند، نه! طواف شأن ولایت که در دل اوست، آن دل را هم به منزله‌ی خانه‌ی خدا قرار داده است. ما می‌گوییم خانه‌ی کعبه خانه‌ی خداست ولی خود خداوند فرموده است که: دل مؤمن خانه‌ی من است. بنابراین احترام مؤمن خیلی لازم و واجب است.

همانطور که گفته شد بیشتر این دستورات العمل‌هایی که

داده شده، در قرآن به خصوص در سوره‌های خاصی است، مثل: لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.^۱ قرآن هر جا خطابى دارد، خطاب به پیغمبر است یا به بزرگان، و در اینجا به همه‌ی مؤمنین خطاب می‌کند و یادشان می‌دهد. می‌گوید پیغمبر چون خود را برادر شما می‌داند شاید ملاحظه کند، به قولی رودرواسی داشته باشد، نگوید، ولی خداوند رودرواسی ندارد و به شما این دستورات را می‌دهد.

در همان سوره می‌فرماید: وقتی به مجلس پیغمبر و یا مجلس یاد خدا وارد شدید، هر جا اشاره کردند همانجا بنشینید یا اگر اشاره‌ای نکردند، هر جا که جا بود بنشینید. اینکه بعضی‌ها با فشار در جای مخصوصی می‌نشینند، غلط است و آن حالت معنوی که باید در مجلس پیدا کند و به مطالب گفته شده توجه کند، در او از بین می‌رود. باز در همان آیه آمده که وقتی پیغمبر اشاره کردند؛ یعنی بزرگ مجلس (چون حالا که پیغمبر نیست) اشاره کردند، آنجا را خالی کنید و وسعت دهید؛ ان شاء الله خداوند به شما وسعت بدهد.^۲

در همان سوره می‌فرماید: صدایتان را بلندتر از صدای پیغمبر نکنید. این هم از آدابى است که قاعدتاً همه می‌دانند ولی

۱. سوره حجرات، آیه ۱.

۲. سوره مجادله، آیه ۱۱.

اینجا می‌فرماید: مبدا که همه‌ی اعمال شما باطل شود.^۱ اینقدر رعایت این مسأله مهم است. اگر چنین کاری کند یعنی صدایش را بلندتر از صدای پیغمبر کند، ممکن است غرور در او پیدا شود و اگر خدای نکرده غرور در او پیدا شد اعمالش ساقط می‌شود؛ یعنی آنچه کرده دیگر به درد نمی‌خورد.

همچنین می‌فرماید: پیغمبر را که صدا می‌زنید، بدانید پیغمبر غیر از خود شماست؛^۲ البتّه وقتی خود پیغمبر می‌فرماید: أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ، این به جای خود است، ولی در ادامه می‌فرماید: يُوحى إِلَيَّ^۳ پیغمبر غیر از شماست، برای اینکه خداوند لیاقت و شخصیت مَهَبَطِ وحی را به او داده است.

تمام این دستوراتی که در اینجا نوشته، اموری ساده و بدیهی است، ولی در چیزهای ساده و بدیهی هم ممکن است انسان دچار اشتباه بشود. این است که در اینجا تکرار کردند.

۱. سوره حجرات، آیه ۲.

۲. سوره نور، آیه ۶۳.

۳. سوره کهف، آیه ۱۱۰.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

و هوشیار باشد که آنچه بشنود دریابد و به آن رفتار کند و آنچه شنید نمونه‌اش در وجود خود پیدا کند که آنچه فرمایند شاید به در زده باشند که دیوار خبردار شود.^۲

فرمودند آنچه در این مجالس گفته می‌شود، دستورالعمل‌ها، نصایح، همه را با دقت گوش دهید. این هم یک امر بدیهی است. مسلم است ما که اینجا آمدیم، برای نوشیدن چای نیامدیم که حواسمان به چای باشد. البته نوشیدن چای برای رفع خستگی مفید است ولی ما برای این آمدیم که وقتی از مجلس می‌رویم، چیزی اضافه داشته باشیم و آن همان چیزهایی است که شنیدیم. بنابراین با دقت کامل و حواس جمع به آنچه گفته می‌شود به‌عنوان نصیحت و دستورالعمل الهی توجه کند. باید به خودش نگاه کند، ببیند اگر دستورات را انجام می‌دهد خوشحال شود و شکر کند که توانسته انجام بدهد و اگر خدای نکرده در بعضی جاها قصوری در خودش می‌بیند، تصمیم به جبران آن قصور گیرد. بنابراین مجالس ذکر که فرمودند، باید پربرترین مجلس باشد، البته پربر از نظر معنوی. باری که انسان را سنگین

۱. برگرفته از شرح رساله شریفه *پندصالح*، جلسات فقری شب‌های جمعه، تلیف دوره‌ی اول تاریخ ۱۳۷۶/۷/۳ و ۱۳۷۶/۷/۱۰ و ۱۳۷۶/۷/۱۷ ه. ش. و دوره‌ی دوم تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۳ و ۱۳۸۷/۱/۸ و ۱۳۸۷/۱/۱۵ ه. ش.
۲. *پندصالح*، ص ۳۳.

نمی‌کند، باری که انسان را سبک می‌کند و به او روح می‌دهد. ان‌شاءالله بتوانیم همه‌ی این دستورات را انجام بدهیم.

نکته‌ی دیگر اینکه وقتی دستورات کلی داده می‌شود، سعی کنید همه را انجام دهید ولی اگر حتی یک بخش آن انجام نشود، ممکن است همان بخش مربوط به شما باشد. الحمدلله مجالس فقری؛ تربیت فقری و آداب زندگی اجتماعی را کاملاً یاد می‌دهد و فقرا غالباً از هر جهت در جامعه نمونه تلقی می‌شوند. امیدوارم همانطوری که دعا کردیم، آهن آبدیده شویم. مؤدّب به آداب اسلامی و آماده برای ظهور امام؛ هم در عالم صغیر و هم در عالم کبیر.

در آداب مجلس می‌فرمایند:

و سخن با دیگران ننماید مخصوصاً که موجب پراکندگی حواس

شود و نجوا جز به لازم نکند، آنچه لازم داند پرسد و زیاد نپرسد و سؤال را برای جلب افاضه نماید و در بین سخن، سخن نگوید.^۱

در این بخش جزئیات آداب خدمت و آداب مصاحبت و حضور در مجالس یاد خدا را ذکر فرموده‌اند که وقتی به مجلسی می‌آیند که فقط برای یاد خداست، حواس خود را باید متوجه مجلس و سخنانی که گفته می‌شود کنند و از آن سخنان پند گیرند؛

یعنی حالات خودشان را با آن سخنان محک بزنند و آنچه پندپذیر است، بپذیرند و رفتار را با آن منطبق کنند و تمام موجباتی که حواس را پرت می‌کند یا توجّه را از بین می‌برد، ترک کنند.

حتّی جزئی‌ترین چیز؛ مثلاً با تسبیح در دست بازی می‌کنند. اگر با این تسبیح دارد ذکر می‌گوید که این خلاف است. یک ذکری را آمده اینجا بشنود، یک ذکری را هم خودش می‌گوید، هیچکدام به درد نمی‌خورد. نه آنکه بشنود، نه آنکه بگوید. اگر با تسبیح بازی می‌کند که اینجا جای بازی نیست. خداوند هم در این مورد نه، در مورد دیگری می‌فرماید: آیا امر خدا را به بازی می‌گیرید؟

تمام اینها دستورات جزئی است، ولی مجموعاً برای این است که بدن سرکشی نکند. چون خیلی اوقات انسان می‌خواهد حواسش جمع باشد، بدن نمی‌گذارد. او نیز به اقتضای بدن سرکشی می‌کند. در مورد نشستن نیز فرموده بودند که تا جا هست رو برو نشیند، اگر میسر نشد در نزدیکترین جا باشد ولی در نشستن، به هیچ وجه نه به نحوی بنشیند که خودش ناراحت باشد و حواسش جمع نباشد و نه مزاحم دیگران باشد. خلاصه، اینها نظم در چیزهایی به ظاهر کوچک است ولی همین چیزهای کوچک اگر در همه‌ی جوامع اجرا بشود، جوامع همه

منظم می‌شوند.

اینها آدابی است که در مجلس عمومی باید رعایت شود. در مورد نجوا آیاتی در قرآن هست. بعضی اوقات مسلمین زمان پیغمبر، برای کارهای خلاف نجوا می‌کردند که قرآن می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ**^۱. این نجواها غالب اوقات برای این بود که مشرکین مؤمنین را اذیت کنند. یک کنایه یا اشاره با گوشه‌ی چشم به هم می‌کردند که دیگران ناراحت بشوند. آیه‌ی **إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ** به آن مربوط است. البته در مورد خواب بد هم گفته‌اند این آیه را بخوانید: **إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ**^۲. وقتی نجوا زیاد شد، آیه‌ای آمد که قبل از نجوا صدقه بدهید. بعد از نزول این آیه هیچکس نجوا نکرد؛ چون خرج داشت. **عَلَىٰ عَالِيَةٍ** برای اینکه یک حکم الهی عاطل و باطل نماند و حتماً اجرا شده باشد صدقه‌ای داد و خدمت حضرت نجوا کرد؛ این را همه‌ی مورخان نوشته‌اند. بعد این آیه نسخ شد. شاید بشود چنین استنباط کرد که این آیه آمد که نشان بدهد **عَلَىٰ عَالِيَةٍ** چقدر به اجرای احکام اسلامی علاقه‌مند است.

به هر جهت حکم این است که نجوا نکنید؛ مگر اینکه کار

۱. سوره مجادله، آیه ۹.

۲. سوره مجادله، آیه ۱۰.

لازم و ضروری مربوط به همانوقت یا برای امور خیریه بوده و به دیگران هم ارتباطی نداشته باشد. در مجالس هم که برای ذکر می‌آیید، نجوا نکنید.

مسأله‌ی دیگر، پرسش است. فرموده‌اند سؤال را برای جَدَل نکند. سؤال کند که چیزی بفهمد. البته فرق جَدَل با تحقیق این است که در جَدَل قبلاً تصمیمی را گرفته و هر طور شده می‌خواهد آن را ثابت کند، ولی تحقیق این است که درک مواردی برایش مشکل است، می‌پرسد. باز ممکن است نفهمد، آنوقت یک سؤال دیگر می‌کند. این مانعی ندارد.

بد دیگران ذکر نکند مخصوصاً سعایت مؤمنی نزد اولیاء ننماید مگر در صورت سؤال و اقتضاء مقام از نظر دلسوزی که به بیان نیکی جواب گوید.^۱

مطلبی که فرموده‌اند این است که ذکر معایب و نقایص یک مؤمن را پیش مؤمنین نگویند. بعضی‌ها هستند از همان اول که در مجلس فقری می‌نشینند، همه‌ی عیب‌های دیگران را می‌بینند، ولی حُسنشان را نمی‌بینند. بنابر مَثَل عامیانه‌ای که امروز متداول است: از لیوانی که آب دارد، نصفه‌ی خالی آن را می‌بینند، امّا

نصفه‌ی پُر آن را نمی‌بینند. باید فکر کنند این شخصی که در مورد او اینطور داوری می‌کنید اگر شما هشتاد عیب در او می‌بینید، قبلاً صد و هشتاد عیب داشت. ولی با کوشش صد عیبش را رفع کرد، هشتاد تا مانده است. شما آن صد تا را ببینید و بعد کمکش کنید که این هشتاد تا را هم رفع کند. البته اگر در مواردی خاص مثلاً برای وصلت سؤال شود که این خانواده چگونه هستند؟ آنوقت به اختصار، همانقدری که جواب سؤال باشد، پاسخ دهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

در مجالسی نظیر این مجالس فقری یا مجالس روضه، نباید سیگار کشید برای اینکه مزاحم دیگران و مضر به حال آنان خواهد بود. دستور دیگر اینکه در مجالس ذکر خدا با حال مستی، یعنی بی خبری، حالی که عقلتان زایل شده، نیایید. اگر خوابتان می آید، بروید بخوابید. اینجا مجلس بیداری است، نه مجلس خواب.

۱. برگرفته از شرح رساله شریفه *پندصالح*، شب جمعه، تاریخ ۱۳۷۸/۲/۹ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

با عرض سلام. نامه‌ی شما رسید. از اینکه نسبت به مجالس فقری اظهار علاقه کرده‌اید و دلسوزی نموده‌اید خشنود شدم، ولی سعی کنید به هر قیمت به مجالس بروید و با توجه به درون و دل خودتان، فیضی از مجالس خواهید برد. در مجالس فقری اصولاً نباید صحبت دنیایی شود، خصوصاً صحبت‌های اجتماعی و سیاسی که پیش می‌آید و حتی قبل و بعد از مجلس هم نباید جلسه‌ی دوستانه‌ای باشد که به نحوی متصل به مجلس تلقی گردد. از وقتی که فقرا به محلّ مجلس می‌آیند باید آنجا را مجلس فقری تلقی کنند و بعد از خواندن فاتحه هم متفرّق بشوند و در آن محل ادامه‌ی صحبت و بحث اجتماعی و سیاسی نکنند. البته فقرا به‌عنوان «فردی» آزادند هرگونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و تجاری برحسب تشخیص و تفکر و تعقل خود انجام دهند، ولی این نباید به‌عنوان درویشی و در مجلس درویشی باشد. در مجالس هم هرکس به همان اندازه که به او اجازه داده‌اند، اقدام به عمل کند. مثلاً کتاب که خوانده می‌شود کسی حقّ صحبت کردن ندارد مگر آن کس که برای صحبت کردن مجاز است. فاتحه‌ی مجلس را هم باید کسی بخواند که اجازه دارد و

۱. برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۲۰ صفر ۱۴۱۸ ه. ق، برابر ۵/۴/۱۳۷۶ ه. ش.

کسی که اجازه دارد اگر معذوریتی داشت به من بنویسند تا کس دیگری را تعیین کنیم، یا اگر گرفتاری ایشان موقت است، بطور موقت کسی را تعیین کنند که در غیبت آن شخص، آن نفر علی‌البدل فاتحه را قرائت کند.

در مورد مکان مجلس هم باید دقت کنند که چون در آنجا نماز خوانده می‌شود، مالک یا مالکین مجلس حتماً رضایت داشته باشند و به هیچ‌وجه جایز نیست که در محلی که مالک یا مالکین اجازه ندادند، نماز خوانده شود. شما خودتان هم مجالس فقری را ترک نکنید و به مجالس بروید و به حال خودتان باشید. مسلماً معنویت مجلس در دل شما خواهد بود، ولو در ظاهر نباشد. موقّق باشید. والسلام.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

برای برگزاری مجالس شب جمعه یا هر مجلس دیگری بایستی تمام ورثه راضی باشند و این قضیه ربطی به زمان رحلت امام حسن مجتبی و داستان... ندارد. باید در جایی که مجلس برگزار می‌شود تمام وراثت راضی باشند؛ حال از روی اعتقاد یا به هر جهت دیگری. اما اگر یکی از ورثه، حتی به جهت روانی هم راضی نباشد، تا وقتی که این رضایت نیست مجلس نباید باشد. خود ورثه با هم توافق کنند منزل را در اختیار وارثی بگذارند که رضایت دارد، تا مجلس دو مرتبه به همانجا برگردد.

۱. برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۲۹ رجب ۱۴۱۸ ه. ق، برابر ۹/۹/۱۳۷۶ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

در مورد رفتن به مجلس هم البته کار بسیار خوبی است ولی همانطور که بارها گفته‌ام، انسان وظایف مختلفی دارد و باید تا می‌تواند اینها را جمع کند و هیچکدام را نمی‌توان فقط به علت وظیفه‌ی دیگری کنار بگذارد. شما که دارای خانواده و فرزند کوچک هستید وظیفه‌ی حفظ فرزند هم بر شما واجب است مثل خود نماز. کما اینکه اگر دیدید خطری متوجه فرزندتان است و در حال نماز باشید نماز را باید بشکنید و آن خطر را از فرزندتان رفع کنید. بنابراین به اندازه‌ای که برایتان امکان داشته باشد در مجالس حاضر شوید، ولو بعضی جلسات نتوانید حاضر شوید از این مسأله ناراحت نشوید. اگر توانستید کودک را به دیگری بسپارید و بروید، اشکالی ندارد.

۱. برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

کتاب *نابغه‌ی علم و عرفان* را که شرح حال مرحوم آقای سلطان‌علیشاه است و اخیراً نیز چاپ چندم شده حتماً بخوانید، در آن کتاب از قول حاجی نایب‌الصدر شیرازی (صاحب *طرائق‌الحقایق*) آمده است که در خدمت آقای سلطان‌علیشاه بودیم که درویشی از راه دور آمد. باید گفت که در آن ایام امکانات نبود و طی مسیر خیلی سخت بود، مثلاً در سفری که حضرت آقای صالح‌علیشاه از بیدخت گناباد به حج مشرف شدند و برگشتند، یازده ماه طول کشید. یا مثلاً سفر از بیدخت تا مشهد، اگر خیلی تند می‌رفتند یک هفته طول می‌کشید، در هر حال در آنجا می‌خوانیم که درویشی از طرف مغرب یا مرکز ایران برای زیارت آمده بود و در بین راه هم خیلی زحمت دیده بود که قصه‌ی آن ناراحتی‌ها را تعریف می‌کرد؛ بعد صاحب *طرائق‌الحقایق* می‌گوید: عرض کردم چه خوب است ایشان (منظور حضرت سلطان‌علیشاه است) که در بیدخت که یک گوشه‌ی دور افتاده‌ای در ایران است، ساکن هستند به تهران بیایند (شاید هم دعای او بود که ما مدتی است تهران هستیم و حال آنکه ما بیدختی هستیم و اهل تهران نیستیم) به هر جهت آقای سلطان‌علیشاه این شعر را

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۲ ه. ش.

بلافاصله خواندند:

می‌توانم آنکه بی این انتظار
 ره دهم بنمایم راه گذار^۱
 لیک شیرینی و لذات مقرر
 هست بر اندازه‌ی رنج سفر^۲

یعنی هر چه در این راه زحمت کشیدی، نتیجه‌ی آن را خواهی دید. این مثل عامیانه هم هست که می‌گوید: هر چی پول بدی آش می‌خوری. حالا وضع ما هم همین‌طور است، هر چه پول دادیم آش می‌خوریم. در زمان فعلی دیگر چنین زحمت‌هایی نیست، جاده‌ها صاف و آسفالت است، حتی پیاده هم خیلی‌ها به سفر می‌روند. تلفن و موبایل هم هست همه‌ی این چیزها مهیا است، بنابراین حالا که این زحمت‌ها نیست، خداوند یک زحمتی به دست خود ما ایجاد کرده است؛ ازدحام جمعیت؛ این مورد به دست خود ما (یعنی خود بشر) به وجود آمده است. در یک شهری، مجلس فقری تشکیل نمی‌شد. من گفتم: مجلس برقرار شود و از مشایخ هم آنجا بروند. به مرور عده‌ی فقرا در آنجا بیشتر شد. حالا بعضی از فقرای آنجا می‌گویند: ازدحام جمعیت است، بله وقتی جمعیت فقرا زیاد شد یک زحمت‌هایی اضافه می‌شود و باید آن

۱. مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۱۵۵.

۲. مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۱۵۷.

زحمت‌ها را تحمّل کرد، زحمت‌هایی که در قبل از افتتاح مجلس فقری نبود، بالاخره زحمت هست ولی باید صبر کرد تا تمام شود. خود مجلس داشتن و اینکه توصیه به حضور در مجالس فقری شده است و بیان این نکته که تا بشود شب دوشنبه و شب جمعه به مجالس بروید، برای این است که دیدار مؤمنین (حتّی صرف دیدن ظاهری مؤمنین) نیز مفید است و اثر دارد. عده‌ای که همدیگر را می‌بینند و می‌شناسند، به خصوص در شهرهای بزرگ که ممکن است در یک هفته همدیگر را نبینند، در شب مجلس یکدیگر را می‌بینند و از هم خبر می‌گیرند. مثلاً اگر یک نفر نیاید به سراغ او می‌روند که چرا نیامده است؟ اگر گرفتاری داشته باشد، سعی می‌کنند، آن را رفع کنند. از طرفی هم، دیدن اینکه فرد مؤمن دیگری نماز می‌خواند، البتّه نه اینکه جلوی کسی بخواند، این نماز برای حال ایمانی انسان مفید است و باعث تقویت آن می‌شود و اعتماد او به خداوند بیشتر می‌گردد. این اعتماد را بنده اعتماد به نفس می‌گویم، برای اینکه من هم به عنوان یک بنده‌ی خدا، به نفس خود اعتماد می‌کنم. البتّه معنا یکی است و لغت فرق دارد.

در هر حال با حضور در مجالس، اعتماد آدم در کارها زیادتر می‌شود. انسان به طور فطری از تنهایی ناراحت می‌شود، چنانکه از

تاریکی هم دلگیر می‌شود. وقتی روشنی باشد و عده‌ای هم مجتمع باشند در حال انسان خیلی اثر می‌کند و این که در جمع گاهی چراغ روشن می‌کنند به همین دلیل است، البته خود نور ایمان و نور مؤمنین برای روشنایی کافی است. همان نور، دل انسان را روشن می‌کند. این ناراحتی‌هایی را که ایجاد می‌شود، تحمل کنید و از طرفی این مثل را از یاد نبرید که می‌گویند: کسی در چاه افتاده بود و داد می‌زد: کمک کنید، یکی رد شد، گفت: چه می‌خواهی؟ گفت: من را از چاه بیرون بکشید، گفت: صبر کن بروم طناب بیاورم تا تو را بالا بکشم. آن فرد گفت: اگر صبر نکنم چه کنم؟ لذا صبر بکنید و البته توکل بر خداوند را هم داشته باشید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

شرکت در مجالس فقری که معنأً مجوّز آن را رسول خدا و ائمه‌ی طاهرینه صادر فرموده و مجلس ذکر خدا و فراگرفتن آداب مذهبی و تهذیب اخلاق و دیدار مؤمنین و تزکیه‌ی نفس و تخلیه از کدورات نفسانی و اغراض دنیوی می‌باشد مخصوصاً در این زمان از اهمّ وظایف فقرا و موجب تألیف قلوب و تضعیف عنادِ معاندین است.

۱. برگرفته از به مناسبت عید نوروز باستانی ۱۳۸۶ ه. ش. و تقارن آن با اوّل ربیع الاوّل، ماه ولادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام و یادآوری نکات فقری و اجتماعی به فقرا، تاریخ اوّل ربیع الاوّل ۱۴۲۸ ه. ق. برابر با ۱/۱/۱۳۸۶ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

چند بار از همه خواهش کرده‌ام، حالا که تشریف آورده‌اید، شما که قصد ندارید، وقت خود را تلف کنید، آمده‌اید و دیده‌اید که آمدن به اینجا از تلف کردن وقت بهتر است؛ تلف کردن وقت را فراموش کنید. نه! اینکه اینجا بیایید و وقت خود را تلف کنید در این صورت دو ضرر کرده‌اید. تلف کردن وقت سبب می‌شود که آن هدف و نتیجه‌ای را که از آمدن مجلس حاصل می‌شود، نصیب شما نشود. آن نتیجه چیست؟ آنکه چای نیست و الا در قهوه‌خانه چای می‌خورید. آن گوش دادن به این حرف‌هاست. تشخیص داده‌اید که این حرف‌ها که اینجا زده می‌شود، به دردخور است. حالا که اینطور است، حواس شما به این حرف‌ها باشد. حرف‌ها و مطالب عمومی وقتی گفته می‌شود، خطاب به همه است. همین حرف را که برای همه می‌زنم، فرض کنید شما سؤالی کرده‌اید و من در حال پاسخگویی به آن برای همه هستم، فکر نکنید این حرف جواب یکی دیگر است و بگویید به من چه ربطی دارد؟ گوش بدهید. چه بسا جواب خیلی از مشکلات گذشته‌ی شما در آن وجود داشته باشد و پیش‌بینی خیلی مشکلات و سؤالاتی که بعداً برای شما به وجود می‌آید، در آن باشد. این فایده‌ی شما، اما برنامه‌ی

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۱/۲۱ ه. ش.

من چه اثری دارد؟

اولاً هر مرتبه مطلب تازه‌تری باید بگویم و وقتی مجبور می‌شوم، آنها را تکرار کنم، آنهايي که شنیده‌اند و گوش داده‌اند، خسته می‌شوند. ثانیاً دیگر وقت نمی‌شود تا به همه‌ی سؤالات پاسخ بدهم. الان سوالی رسیده که همین هفته یا هفته‌ی پیش پاسخ او داده شد و پرسیده بودند که فرق ما درویش‌ها با افراد دیگر چیست؟ یا از ما می‌پرسند درویشی چیست؟

فهرست جزوات قبل

شماره	عنوان	قیمت
۱	گفتارهای عرفانی ^۱ (قسمت اول - دی و بهمن ۱۳۸۶)	مجموعه شماره یک: ۸۰۰۰ تومان (شامل ۱۳ جزوه)
۲	گفتارهای عرفانی (قسمت دوم - بهمن ۱۳۸۶ تا فروردین ۱۳۸۷)	
۳	گفتارهای عرفانی (قسمت سوم - اسفند ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	
۴	گفت وگوهای عرفانی ^۲ (قسمت اول - متن ۶ مصاحبه - تابستان و آذر ۸۶، اردیبهشت، مرداد و آذر ۸۷)	
۵	مکاتیب عرفانی ^۳ (قسمت اول ۷۶-۱۳۷۵)	
۶	استخاره (همراه با سی دی صوتی)	
۷	مقدمه ی روز جهانی درویش	
۸	مکاتیب عرفانی (قسمت دوم ۷۹-۱۳۷۷)	
۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۸۷)	
۱۰	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم - تیر ۱۳۸۷)	مجموعه دو: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)
۱۱	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم - مرداد و شهریور ۱۳۸۷)	
۱۲	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتم - شهریور ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	
۱۳	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	
۱۴	حقوق مالی و عشریه (قسمت اول)	
۱۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتم - مهر ۱۳۸۷)	
۱۶	مکاتیب عرفانی (قسمت سوم ۱۳۸۰)	

۱. گفتارهای عرفانی: بیانات صبح‌های شنبه، یک‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه، جمعه و مناسبت‌ها.

۲. گفت وگوهای عرفانی: مجموعه ی مصاحبه‌ها.

۳. مکاتیب عرفانی: مجموعه ی پاسخ به نامه‌ها.

مجموعه سه: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نهم - مهر ۱۳۸۷)	۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت دهم - مهر و آبان ۱۳۸۷)	۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت یازدهم - آبان ۱۳۸۷)	۱۹
	گفتارهای عرفانی (قسمت دوازدهم - آبان و آذر ۱۳۸۷)	۲۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت سیزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۱
مجموعه چهار: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت اول)	۲۲
	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت اول)	۲۳
	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت اول)	۲۴
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)	-
	مکاتیب عرفانی (قسمت چهارم ۸۱-۱۳۸۰)	۲۵
مجموعه پنج: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت چهاردهم - مردادالی آذر ۱۳۸۷)	۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت پانزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شانزدهم - آذر و دی ۱۳۸۷)	۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفدهم - دی ۱۳۸۷)	۲۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)	-
مجموعه شش: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هجدهم - دی و بهمن ۱۳۸۷)	۳۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نوزدهم - بهمن ۱۳۸۷)	۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت بیستم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و یکم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۳
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)	-
۲۰۰ تومان	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران	-
مجموعه هفت: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	مکاتیب عرفانی (قسمت پنجم ۸۳-۱۳۸۲)	۳۴
	مکاتیب عرفانی (قسمت ششم ۱۳۸۴)	۳۵
	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت دوم)	۳۶
	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت دوم)	۳۷
	مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت اول)	۳۸

		مکاتیب عرفانی (قسمت هفتم ۸۷-۱۳۸۴)	۳۹
مجموعه هشتم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت سوم)	۴۰
		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت چهارم)	۴۱
		شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت دوم)	۴۲
		مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت دوم)	۴۳
مجموعه نهم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و دوم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و سوم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۵
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و چهارم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و پنجم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۴۷
		شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت ششم)	-
مجموعه ده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و ششم - مرداد ۱۳۸۹)	۴۸
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هفتم - مرداد و شهریور ۱۳۸۹)	۴۹
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هشتم - شهریور ۱۳۸۹)	۵۰
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و نهم - شهریور و مهر ۱۳۸۹)	۵۱
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی ام - مهر ۱۳۸۹)	۵۲
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و یکم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۵۳
مجموعه یازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و دوم - اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸)	۵۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و سوم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۵
		گفت و گوهای عرفانی (قسمت دوم - عرفان در کار اداری - بهار و تابستان ۱۳۸۹)	۵۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و چهارم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۷

مجموعه دوازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۵۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و پنجم - خرداد و تیر ۱۳۸۸)
	۵۹	درباره‌ی حقوق مالی و عشریه (قسمت دوم)
	۶۰	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت دوم)
	۶۱	گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت سوم - سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸)
	۶۲	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت اول)
	۶۳	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت دوم)
مجموعه سیزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۴	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت سوم)
	۶۵	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت چهارم)
	۶۶	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۷	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هفتم - تیر ۱۳۸۸)
مجموعه چهارده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر و مرداد ۱۳۸۸)
	۶۹	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و نهم - مرداد و شهریور ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هفتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هشتم)
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت نهم)	
-	۷۰	مُلَخَّص گزارشات در مورد عرفان (هدیه نوروزی ۱۳۹۰)
مجموعه پانزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۷۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۲	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و یکم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۳	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و دوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۴	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و سوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۵	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و چهارم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۶	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و پنجم - مهر و آبان ۱۳۸۸)
	۷۷	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و هشتم - آبان ۱۳۸۸)
	۷۸	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم - آبان و آذر ۱۳۸۸)
	۷۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و هشتم - آذر ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دهم)
۸۰	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق)	

۸۱	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت اول)	
۸۲	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت دوم)	
۸۳	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت سوم)	
۸۴	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت چهارم)	
۸۵	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت پنجم)	
۸۶	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت ششم)	
۸۷	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هفتم)	
۸۸	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هشتم)	
۸۹	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت نهم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت یازدهم)	
۹۰	مکاتیب عرفانی (اسفند ۱۳۷۵ الی خرداد ۱۳۸۷)	۵۰۰ تومان
۹۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم)	
۹۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاهم)	
۹۳	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و یکم)	
۹۴	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و دوم)	
۹۵	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و سوم)	
۹۶	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و چهارم)	
۹۷	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و پنجم)	
۹۸	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و ششم)	
۹۹	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هفتم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوازدهم)	
۱۰۰	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد اول)	۵۰۰ تومان

مجموعه شانزده:
شامل ۱۰ تومانی
(جزوه)

مجموعه هفده:
شامل ۱۰ تومانی
(جزوه)

	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هشتم)	۱۰۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و نهم)	۱۰۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصتم)	۱۰۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و یکم)	۱۰۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و دوّم)	۱۰۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و سوّم)	۱۰۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و چهارم)	۱۰۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و پنجم)	۱۰۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و ششم)	۱۰۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سیزدهم)	-
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد اوّل)	۱۱۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هفتم)	۱۱۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هشتم)	۱۱۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و نهم)	۱۱۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادم)	۱۱۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و یکم)	۱۱۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و دوّم)	۱۱۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و سوّم)	۱۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و چهارم)	۱۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و پنجم)	۱۱۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهاردهم)	-
۵۰۰ تومان	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد اوّل)	۱۲۰
۵۰۰ تومان	درباره‌ی مزار سلطانی بیدخت و شرح زندگی و حالات اقطاب اخیر	۱۲۱
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد دوّم)	۱۲۲
۵۰۰ تومان	فهرست موضوعی جزوات	۱۲۳
۵۰۰ تومان	درباره‌ی ذکر و فکر	۱۲۴

مجموعه هجده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

مجموعه نوزده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

مجموعه بیست: ۵۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوششم)	۱۲۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهفتم)	۱۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهشتم)	۱۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادونهم)	۱۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادم)	۱۲۹
۲۰۰ تومان	درباره‌ی بیعت و تشرّف	۱۳۰
مجموعه بیست و یک: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادویکم)	۱۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادودوم)	۱۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوسوم)	۱۳۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوچهارم)	۱۳۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوپنجم)	۱۳۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوششم)	۱۳۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهفتم)	۱۳۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهشتم)	۱۳۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادونهم)	۱۳۹
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پانزدهم)
مجموعه بیست و دو: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نودم)	۱۴۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نود و یکم)	۱۴۱
		۱۴۲
		۱۴۳
	پرسش و پاسخ	۱۴۴
	با گزیده‌هایی از بیانات	۱۴۵
	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	۱۴۶
	(مجدوب علیشاه)	۱۴۷
		۱۴۸
		۱۴۹

۱۵۰	شرح فرمایشات حضرت صادق (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد دوم)	۲۰۰ تومان
۱۵۱	درباره‌ی دعا (قسمت اول)	
۱۵۲	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت اول)	
۱۵۳	درباره‌ی بیماری و شفا	
۱۵۴		
۱۵۵	پرسش و پاسخ	
۱۵۶	با گزیده‌هایی از بیانات	
۱۵۷	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	
۱۵۸	(مجنوب‌علیشاه)	
۱۵۹		
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت شانزدهم)	
۱۶۰	درباره‌ی روح (قسمت اول)	
۱۶۱	درباره‌ی دعا (قسمت دوم)	
۱۶۲	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت دوم)	
۱۶۳	درباره‌ی شیطان (قسمت اول)	
۱۶۴	درباره‌ی استخاره (قسمت اول)	
۱۶۵		
۱۶۶	پرسش و پاسخ	
۱۶۷	با گزیده‌هایی از بیانات	
۱۶۸	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	
۱۶۹	(مجنوب‌علیشاه)	
۱۷۰	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)	۲۰۰ تومان

مجموعه بیست و سه:
شامل ۱۰ جزوه)
۵۰۰ تومان

مجموعه بیست و چهار:
شامل ۱۰ جزوه)
۵۰۰ تومان